



بررسی تاثیر دینداری بر میزان شکوفایی استعدادها و نقش آفرینی زنان در توسعه پایدار شهری

فاطمه فراهانی^۱

علی روشنایی^{۲*}

محمد حسین اسدی داود آبادی^۳

امید علی احمدی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

چکیده

هدف اساسی این پژوهش بررسی تاثیر دینداری بر میزان شکوفایی استعدادها و نقش آفرینی زنان در توسعه پایدار شهری است. چارچوب نظری پژوهش حاضر، تلفیقی از نظریه‌های دورکیم، برگر، مازلو و نظریه ظرفیت اجتماعی است. این تحقیق به صورت پیمایشی و با ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته بر اساس طرح نمونه‌گیری مدون در بین زنان بالای ۲۰ سال اراکی انجام یافته است. در نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای و طبقه‌بندی نامتناسب استفاده شد و حجم نمونه ۳۹۲ نفر بود. نتایج نشان می‌دهد «دینداری» با ضریب رگرسیون ۰,۲۴، بر «نقش آفرینی زنان در توسعه شهری» و با ضریب رگرسیون ۰,۲۷، بر استعدادهای توسعه شهری اثر معنی‌داری دارد. بر اساس نتایج به دست آمده، دو متغیر پژوهش حدود ۳۰ درصد واریانس متغیر «نقش آفرینی زنان در توسعه شهری» را تبیین می‌کنند.

نتایج پژوهش مویدی است بر اینکه تقویت دینداری می‌تواند به باروری بهتر و بیشتر استعدادهای زنان در توسعه شهری منتهی شود و نقش آنان را در این امور ارتقا دهد که از ثمرات این مشارکت، هم خود زنان، هم خانواده و هم جامعه بهره مند خواهند شد.

واژگان کلیدی: دینداری، زنان، توسعه شهری، استعداد، ظرفیت اجتماعی، نقش اجتماعی.

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران. fatemehfarahani9199@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران. (نویسنده مسئول): a.roshanaie@yahoo.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران. assadi2001ir@yahoo.com

^۴ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران: omidaliahmadi@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

نقش آفرینی زنان و توجه به ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل آنها در جامعه در دنیای امروز از آن جهت اهمیت یافته است که مشارکت داوطلبانه همه شهروندان در تمامی قسمت‌های جامعه، فارغ از جنسیت معیاری برای تحقق جامعه مدنی است که در آن به رغم برخورداری از نظم و امنیت و آرامش، با حقوقی یکسان و برابر می‌توانند از ظرفیت‌ها، امکانات و منابع جامعه استفاده نمایند. در این میان، این پرسش کلیدی مطرح است که آیا دین و دینداری عامل مثبت در شکوفایی استعدادها و نقش آفرینی زنان در جامعه است یا عاملی بازدارنده در این راستا.

ابهام در محدوده و شیوه‌های نقش آفرینی زنان در جامعه دستاویزی برای مخالفان دین و دینداری شده است که این مدعا را مطرح نمایند که دین، حقوق اجتماعی زنان را زیر پا گذاشته و به آن بی‌توجه است. همچنین در سطحی فراتر، مکاتب غربی مبتنی بر اومانیزم، ادیان را متهم به نادیده گرفتن حقوق زنان می‌کنند. این تلقی‌ها مسموم در دوران کنونی با ظهور قرائت انحرافی از اسلام که گروه‌های تروریستی مانند طالبان و داعش و مشابه آنها داعیه‌دار آن در سطح جهانی بودند همزمان شده است که در قالب دین با برخوردهای خشونت‌آمیز، منع حقوق و فعالیت‌های اجتماعی زنان را توجیه می‌کنند. این مسایل به بستری برای ایجاد شائبه، شبهه و هجمه در جهت برتری جویی مکاتب غربی و دوری نسل جوان از دین تبدیل شده است.

شکی نیست که دین، یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال پویاترین مقولاتی است که توجه مکاتب مختلف را به خود جلب کرده است. این تمایل زمانی در غرب قوت گرفت که مناقشات میان دین، علم و سیاست جدی شد. تبیین‌هایی که از این دوره به بعد از دین ارائه شده، همگی سعی داشتند تا به دور از جنبه کلامی دین، به تبیین‌های فلسفی - اجتماعی آن استوار باشند. اوج شیوع چنین تفکری نسبت به دین، رنسانس و عصر روشنگری است که اندیشمندان آن سعی کردند به عوامل گوناگون علّی و پیامدی دین و دینداری توجه کنند و به ویژه کارکردهای روانی و اجتماعی آن را مورد توجه قرار دهند.

دینداری یا تدین عبارت از التزام به یک مذهب و دین است که در مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها، احساسات، مناسک فردی و جمعی پیرامون امر قدسی و رابطه ایمانی با او، سامان می‌پذیرد (طالبان، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۹). دینداری عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به پیروی و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰). دیندار کسی است که با آگاهی به اصول و شعائر یک مذهب در نظر و عمل یروی آن دین را اتخاذ می‌کند، به نحوی که این پیروی بر زندگی

دینی و غیر دینی او تاثیر می‌گذارد. مولفه‌های سیستم معنادهی مذهب به عنوان منبع شگرف و گسترده، شامل اعتقادات، وابستگی‌ها، اهداف، و چشمداشت‌ها به عنوان کانون هیجان‌ها و رفتارهای فردی عمل می‌کنند (سیلبرمن^۱، ۲۰۰۵: ۶۴۱-۶۶۳). دین پدیده گسترده و بسیار با دوام و تاثیرگذار است و به عنوان نظام اعتقادی سازمان یافته‌ای همراه با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال تعریف شده است که تعیین کننده شیوه پاسخدهی افراد به تجارب زندگی است (زولینگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). دین اساساً با نمادهایی سر و کار دارد که غیرعینی‌اند و احساسات، ارزش‌ها و امیدهای مومنان را بیان می‌کند یا جریان‌های کنش متقابل میان انسان‌ها و اعیان خارجی را سازمان داده و به نظم می‌کشاند، یا کل مجموعه اذهان و اعیان را جمع‌بندی می‌کند و یا زمینه این کل را نشان می‌دهد (همیلتون^۳، ۱۳۷۷: ۱۵).

از آنجایی که دین هدف خود را کمال و سعادت انسانی می‌داند و در پی پاسخ دادن به والاترین و متعالی‌ترین نیازهای انسانی است و از سطح نیازهای اولیه انسان فراتر می‌رود می‌توان گفت که شکوفایی استعدادها و بهره‌گیری از ظرفیت زنان در توسعه پایدار شهری با مفاهیم و آموزه‌های دینی همخوانی دارد.

ظرفیت‌سازی، شناسایی و تقویت قابلیت‌های فردی و اجتماعی است که در داخل جوامع و شبکه‌های بین افراد، اجتماع و نهادهای مدنی را برای تعریف ارزشها و اولویتهای خود و توانایی عمل در این زمینه‌ها تقویت می‌کنند (هلی^۴ و همپشایر^۵، ۲۰۰۱). آدام^۶ و ارکوهارت^۷ (۲۰۰۷) ظرفیت‌سازی را تلاشی برای افزایش یک مهارت یا دانش مشخص دانسته‌اند. راهبرد ظرفیت‌سازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و تمامی عوامل برای ایجاد شرایط زندگی بهتر در جوامع شهری دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط زندگی خود را آنگونه که تمایل دارند شکل دهند. بر این اساس، ظرفیت اجتماعی زنان را می‌توان منابع، ذخایر و داشته‌های در دسترس آنها و اقداماتی تعریف کرد که این منابع را به عملکرد در جهت دستیابی به اهداف مشخص شده تبدیل می‌کند و تحقق آنها در بستر ظرفیت کالبدی - محیطی و ظرفیت نهادی - سازمانی امکانپذیر است.

¹ Silberman, I

² Zulling

³ Hamilton

⁴ Healy

⁵ Hampshire

⁶ Adam

⁷ Urquhart

بهره‌گیری از ظرفیت اجتماعی با مفهوم شکوفایی استعدادها در ارتباط است که اولین بار از سوی «گلدشتاین»^۱ در معنای به فعلیت درآوردن تمام وجوه و قابلیت‌های وجود خویش به کار گرفته شد (اسماعیل خانی، ۱۳۸۰: ۳). مازلو معتقد بود که الگوی چگونگی رفتار شخص برای نیل به شادی، سلامت و کارکرد بهنجار در گرو خودشکوفایی اوست (هایلیگن، ۱۹۹۲). خودشکوفایی از دیدگاه مازلو عبارت است از فرایند پایان ناپذیر تحول که به ارتقای وضعیت سلامت روان آدمی می‌انجامد (مازلو، ۱۹۷۰).

فرض بنیادی این پژوهش آن است که تمایل بنیادین زنان به ارتقای تجربه اجتماعی در محیط شهری در راستای ظهور استعدادهای بالقوه آنها با ارتقای سطح دینداری در آنها افزایش و بهبود می‌یابد. به عبارت دیگر، دینداری بستری امن فراهم می‌کند که در آن زنان هم از نظر روحی و روانی، احساس امنیت وجودی فردی می‌کنند که در نتیجه آن، هم در محیط خانواده و هم جامعه، زمینه رشد استعدادهای آنها و نقش آفرینی آنها در توسعه شهری فراهم می‌شود. بر این مبنای پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی مبانی و دیدگاه‌های مرتبط با دینداری و نقش آفرینی زنان در توسعه شهری و با تعمیق در آن به پاسخ پرسش بنیادین زیر دست یابد: دینداری بر میزان شکوفایی استعدادها و نقش آفرینی زنان در توسعه پایدار شهری چه تاثیری دارد؟

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر، تلفیقی از نظریه‌های دینداری و شکوفایی استعدادها و نقش آفرینی زنان در توسعه پایدار شهری است.

در یک طبقه‌بندی نظریه‌های مربوط به دین به نظریه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی قابل تقسیم هستند. در نظریه‌های دینی، دینداری یا تدین ناظر به پذیرش دین از سوی انسان‌هاست. در واقع دینداری صفت و حالت انسان درباره دین است (فقیهی، ۱۳۸۵: ۴۸). دینی بودن، عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای داده می‌شود که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی است. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. به طور کلی، دینداری یعنی داشتن اهتمام دینی به گونه‌ای که نگرش، گرایش و کنشه‌ای فرد را متأثر کند (ادیب بهروز، ۱۳۸۹: ۶۵).

¹ Goldstein

² Heylighten

بر خلاف روانشناسان بیشتر جامعه شناسان به خصوص کارکردگراها معتقدند آنچه اهمیت دارد چگونگی آغاز گرفتن امور نیست بلکه نقشی است که این امور در جوامع گوناگون دارند. دورکیم در بررسی دین، رویکرد کارکردی خویش را به کار گرفته است. هری آلپرت، پژوهشگر دورکیمی چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم به عنوان نیروهای اجتماعی انضباط بخش، انسجام بخش، حیات بخش و خوشبختی بخش طبقه بندی کرده است (کوزر، ۱۳۸۲: ۲۰۰). کینگزلی دیویس چهار کارکرد برای دین عنوان کرد: اول این که دین عزم افراد را برای رعایت هنجارهای گروهی تقویت می‌کند؛ دوم این که مناسک دینی کارکرد حفظ باورداشت را انجام می‌دهند؛ سوم، دین به صورت مرجع و راهنمای واقعی برای مؤمنان عمل می‌کند؛ و در نهایت این که دین برای مجازات، یک منبع غایی فراهم می‌کند (دیویس^۱، ۱۹۶۴: ۵۲۶-۵۳۳). از این نظریه، چنین بر می‌آید دین از طریق برآورد نیاز فردی، کارکردی اجتماعی را انجام می‌دهد. غور در نتایج نظری و تجربی درباره نقش دین در نقش آفرینی افراد در جامعه حاوی نکات مهمی است که آنها را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

معنا بخشیدن به زندگی: دین، خالق نوعی اعتقاد به قضا و قدر و پاداش‌های معنوی و غیر ملموس است که پاسخ‌های معنادار و غایت شناختی را در درباره وجود و واقعیت‌های این جهانی در اختیار پیروان خود قرار می‌دهد که موجب تقویت نقش اجتماعی دین می‌شود؛ حمایت روحی و روانی: مذهب پیروان خود را به نظام ارزش‌ها و پاداش‌های معنوی متوجه ساخته و آنها در بستر مناسک فردی و اجتماعی قرار می‌دهد، که نتیجه آن بهره‌مندی آنها از حمایت عاطفی در رویدادهای مهم زندگی است؛

فراهم نمودن همبستگی اجتماعی: مذهب پیروان خود را به همدیگر نزدیک ساخته و از طریق مناسک مذهبی و ارزش‌ها و باورهای مشترک مذهبی، موجب تقویت استحکام و دوام بخشیدن به همبستگی اجتماعی آنها می‌شود.

کنترل رفتار: دین با عرضه ارزش‌ها و هنجارهای خاص رفتار پیروان خود را کنترل می‌کند. همچنین دینداری، نقش کنترلی خود را به عنوان منبع درونی با جامعه پذیری ایفا می‌کند. به این معنا که فرد را به رعایت مجموعه‌ای از الگوهای هنجاری با ضمانت‌های اجرایی اجتماعی ملزم می‌سازد.

^۱ Davis

محافظت از نظم و اجتماع اخلاقی^۱: دین همبستگی اجتماعی و دلبستگی عاطفی پیروان خود را تقویت می‌کند. «اجتماع اخلاقی» در معنای امروزی و فارغ از دلبستگی مذهبی، اجتماعی «سرآمد در همبستگی اجتماعی» است که وابسته به منابع قوی اجتماعی و اخلاقی آن است. اما دورکیم، دین را «نظامی متحد از باورها و کنش‌های مرتبط با مقدسات» تلقی می‌کرد (دورکیم^۲، ۱۹۱۵: ۴۷). در این معنا، مفهوم اجتماع اخلاقی کاملاً بر مبنای مذهبی قابل تصور است.

پیتر برگر دین را مامنی در مقابل جهانی بی‌معنا می‌داند (تامسون و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۵). به اعتقاد برگر، نظام معنایی که انسان‌ها می‌سازند، حاصل کار یک فرد نیست، بلکه یک تولید اجتماعی است؛ تولید همه مردمی که به یکدیگر وابسته‌اند و در هر کجا و هر زمان که باشند، با هم پیوند دارند، با این حال از دید هر کس، گویی این نظام وجود عینی است که خارج از خود او قرار دارد. هر فرد در مجموع سهمی در این نظام معانی دارد، لیکن این نظام مافوق افراد است و از لحاظ اجتماعی دارای عینیت خارجی است (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۰۷). برگر به صورت مکرر به وحشت انسان از هرج و مرج اشاره نموده و معتقد است که همواره ترس از بی‌معنا شدن زندگی در ما وجود دارد؛ به طوری که انسان ناچار به نظام معنایی که به لحاظ اجتماعی هدفدار است، تمایل پیدا می‌کند و دین همین کارکرد را در جامعه ایفا می‌کند؛ چرا که دین کوشش جسورانه است برای آنکه سراسر گیتی برای انسان معنادار شود (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۷۳). در نتیجه دین، عملاً به عنوان سیستم ارزشی به حرکت‌های انسان جهت می‌دهد و آنها را هدفمند و انسان را به سوی اعتلای روانی انسانی و تکامل رهنمون می‌کند.

زیمل اعتقاد دارد دینداری بر احساس دینی مبتنی است و عبارت است از صورت و شکلی که احساس دینی به خود می‌گیرد (ارجمند و شعبان پور حقیقی ۱۳۸۹: ۷۴). دیندار کسی است که با آگاهی (اگرچه در حداقل) از اصول و شعائر یک مذهب، در نظر و عمل پیروی آن دین را اتخاذ می‌کند، به طوری که دین بر زندگی اجتماعی او تأثیر بگذارد (انوری، ۱۳۷۳: ۲۵۶). درباره ابعاد دین در اسلام تعابیر بعضاً متفاوتی وجود دارد که از سه بعد اعتقادات، احکام و اخلاق (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۱۲). تا پنج بعد عقیده، ایمان، اخلاق، عبادات و شریعت سخن به میان آمده است و این تمایزها بیش از آنکه ناشی از اختلاف نظرهای اصولی در چپستی و حیطة عمل دین باشد، برخاسته از تعابیر مفسران از مفاهیم به کار رفته است (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۵۱). از این رو،

¹ moral community

² Durkheim, E

دینداری را می‌توان پذیرش همه یا بخشی از عقاید، احکام و اخلاق دین اسلام توسط فرد و تلاش در جهت عمل به آنها در نظر گرفت (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

نظریه‌های دینداری را می‌توان به نظریه‌های خودشکوفایی و ظهور و بروز استعدادها و ظهور زد. برای شناخت بیشتر خودشکوفایی و ظهور استعدادها می‌توان از نظریه مازلو بهره گرفت. مازلو نیازهای اساسی انسان را در یک هرم جای داده است که دارای ۵ طبقه است. طبقات پایین‌تر هرم، نیازهای حیاتی‌تر و ساده‌تر و طبقات بالاتر نیازهای پیچیده‌تر را نشان می‌دهند. نیازهای طبقه‌های بالاتر فقط وقتی مورد توجه قرار می‌گیرد که نیازهای طبقه‌های پایین‌تر برطرف شده باشد. چهار طبقه اول هرم مازلو نیازهای پایه نام دارند. این نیازها در صورتی که تامین شوند حس خاصی به فرد نمی‌دهند، اما در صورتی که تامین نشوند او را دچار اضطراب و نگرانی می‌کنند (گرین^۱، ۲۰۰۰: ۱۴).

مازلو این حقیقت را یافت، زمانی که اشخاص در سلسله مراتب نیازها حرکت کنند و ارزش‌های بنیادی آنان شامل امنیت، تعلق، احترام و عزت نفس تامین شود، قادر خواهند بود تا ظرفیت خودشان را برای زندگی سالم و بالغ توسعه دهند. وی این ظرفیت را خود شکوفایی نامید و آن را به عنوان «استفاده کامل و کشف استعدادها، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها توضیح داد (اسپاجت^۲، ۲۰۰۴). نیاز خودشکوفایی این مفهوم را بیان می‌کند که همه افراد پتانسیلی برای خود شکوفا شدن دارند، انسان هرچه بتواند بشود باید بشود، پس خود شکوفایی میل رسیدن به کمالی است که فرد قابلیت رسیدن به آن را دارد.

دین به طور ذاتی ماهیتی اجتماعی دارد که افراد را به مشارکت و نقش آفرینی اجتماعی ترغیب می‌کند. این ترغیب دینی، باعث توسعه و ضامن حرکت و پویایی یک جامعه می‌شود. در نتیجه دین بستر برای طراحی و اجرایی شدن سازه‌های گفتمانی مشارکت پذیرانه در مهندسی فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌سازد که ثمره آن انطباق نظامات و قوانین بر اساس نیازها و واقعیت‌های اجتماعی است. در نتیجه میزان تضادها و درگیری‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین، با توجه به ویژگی‌های جامعه ایران، به نظر می‌رسد یکی از مهمترین و نیرومندترین نهادهای مؤثر در شکلگیری نقش آفرینی زنان در امور توسعه شهری، نهاد دین است؛ زیرا در دین اسلام آموزه‌های دینی بر رفتارهایی تأکید دارند که زمینه و بستر شکل‌گیری نقش آفرینی

¹ Green

² Spjut

زنان را فراهم می‌کنند و در ایران که جامعه ای با هنجارهای دینی است، توجه به این منبع مؤثر و رابطه آن با نقش آفرینی اجتماعی زنان از ضرورت‌های مهم جامعه شناختی است.

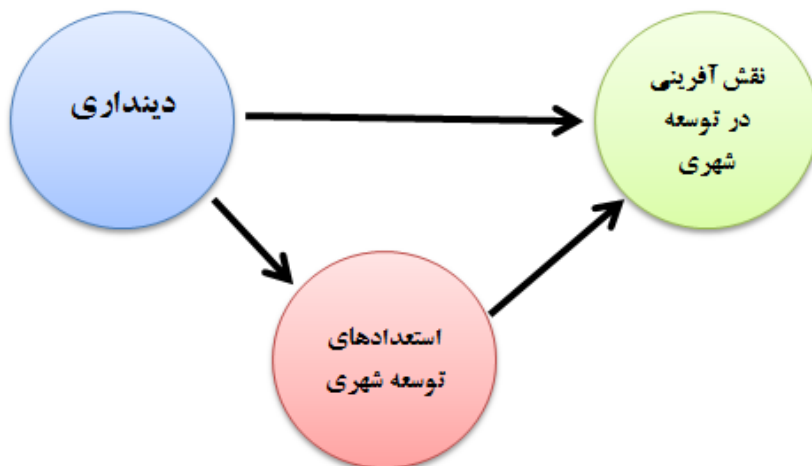
مدل تحلیلی و فرضیه‌های پژوهش

برای بررسی ارتباط بین دینداری، استعدادها و توسعه شهری، نقش آفرینی در توسعه شهری که برگرفته از پیشینه نظری و تجربی بوده است، سه فرضیه زیر قابل طرح است:

دینداری بر نقش آفرینی زنان در توسعه شهری مؤثر است.

دینداری بر استعدادها و توسعه شهری مؤثر است.

استعدادها و توسعه شهری بر نقش آفرینی زنان در توسعه شهری مؤثر است.



شکل ۱- مدل تحلیلی پژوهش: رابطه بین دینداری با استعدادها و توسعه شهری و نقش آفرینی زنان در توسعه شهری

روش شناسی تحقیق

نوع تحقیق: روش اصلی به کار گرفته در این پژوهش روش کمی با پیمایش مقطعی است. جمعیت و نمونه تحقیق: جامعه آماری تحقیق حاضر زنان بالای ۲۰ سال شهر اراک که براساس سرشماری صورت گرفته توسط مرکز ملی آمار ایران در سال ۱۳۹۵ به تعداد ۱۹۶۴۰۴ نفر می‌باشد (مرکز ملی آمار ایران، سرشماری ۱۳۹۵). با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۹۲

نفر زن ساکن شهر اراک تعیین شد. با اطلاعاتی که به کمک شهرداری اراک از ناحیه بندی و توزیع جمعیتی شهر اراک بدست آوردیم نمونه‌گیری چند مرحله‌ای را طراحی نمودیم. شهر اراک دارای ۵ منطقه است و هر منطقه از ۱۱ محله تشکیل شده است. جمعیت هر محله به طور متوسط حدود ۱۰ هزار نفر است. بر این اساس نمونه آماری ما بین ۵۵ محله شهر اراک توزیع شد. ۵ پرسشگر آموزش دیده، کار توزیع و اجرای پرسشنامه را در مناطق پنجگانه شهر بر عهده گرفتند. بر این اساس در هر محله، ۸ پرسشنامه در کوچه‌هایی که به صورت تصادفی انتخاب شدند اجرا گردید. در مراجعه به خانه‌ها نیز با توجه به اینکه ممکن است چند زن در خانه حضور داشته باشند بر اساس قرعه تصادفی فقط یکی از آنها پرسشنامه را تکمیل کردند. ابزار اندازه‌گیری و روایی و پایایی آن: ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است. به منظور سنجش میزان پایایی پرسشنامه از تکنیک هم‌انگهی درونی گویه‌ها یا آلفای کرونباخ استفاده شد. متغیرهایی که در قالب گویه‌هایی بر روی مقیاس نمره لیکرت مورد سنجش قرار گرفتند، مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰,۷ داشتند.

جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

| متغیر | ضریب آلفای کرونباخ |
|--------------------------|--------------------|
| دینداری | ۰,۷۸ |
| استعدادهای توسعه شهری | ۰,۷۹ |
| نقش آفرینی در توسعه شهری | ۰,۸۱ |

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

نقش آفرینی زنان در توسعه شهری: "نقش"، میانجی "جامعه" و "فرد" است و ایفای نقش را کاربرد موثر حقوق و تکالیف می‌توانیم تلقی کنیم (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۲۹۳). نقش آفرینی زنان در توسعه شهری پایدار، مجموعه اقداماتی است که از محقق شدن ظرفیت اجتماعی زنان در جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری حاصل می‌شود. متغیر "نقش آفرینی زنان در توسعه شهری" از طریق نگرش افراد درباره میزان سهم و نقش خود در توسعه شهری در ابعاد مختلف توسعه مورد سنجش قرار گرفته است. ابعاد مختلف توسعه با جرح و تعدیل در شاخص لگاتوم (لگاتوم، ۲۰۱۴) شامل ده بعد معیشتی و اقتصادی، فرصتهای کار و اشتغال، بهداشت و درمان، آموزش، امنیت و آسایش، آزادی‌های فردی، حکمروایی، رسانه‌ها و ارتباطات، تفریح و سرگرمی و

محیط زیست می‌شود. گویه‌های این متغیر در قالب طیف لیکرت با پنج گزینه (فاقد نقش، نقش ضعیف، نقش متوسط، نقش قوی، نقش بسیار قوی) طراحی شده است.

میزان استعدادهاى توسعه شهری: استعداد^۱ به سطح کارایی حاصل از میزان مشخصی آموزش اطلاق می‌شود (پورافکاری، ۱۳۸۶). نقش آفرینی در توسعه شهری، نیازمند برخورداری از استعداد در ابعاد مختلف آن است. اما علاوه بر این شکوفا شدن این استعدادها، نیازمند شناخت، فراهم آوردن بستر و به کارگیری آنها است. برای عملیاتی کردن این متغیر لیستی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه شهری ارائه می‌شود و از پاسخگویان پرسیده می‌شود که تصور می‌کنند در این موارد استعداد دارند یا نه؟ و اگر دارند تا چه حد این استعدادها شکوفا شده است.

مقیاس دینداری: دینداری عبارت است از مجموعه شناخت‌ها، احساس و تمایلات مثبت نسبت به دین، که در وضعیت عادی و طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود داشته باشد و در کنشهای وی نسبت به نیروی جذاب (خداوند)، جهان، خود، جامعه و تاریخ به ظهور برسد (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰: ۲۰۱). همچنین، در تعریفی دیگر، دینداری یعنی داشتن اهتمام دینی به طوری که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر کند، نوع و جهت این تأثیر را ادیان تعیین می‌کنند؛ پس کشف و شناسایی آن مستلزم مطالعات درون دینی است (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۴۵). این مقیاس با اقتباس از مقیاس آراین (۱۳۷۷) تهیه شده است که مشتمل بر ۲۰ سوال می‌باشد. نمره‌گذاری پاسخنامه این مقیاس بر اساس مقیاس لیکرتی انجام یافته است. آراین ضرایب پایایی مقیاس را ۰,۹۲ گزارش نموده است. اعتبار این ابزار در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰,۸۲ به دست آمد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه: ۴۷ درصد زنان پاسخگو بین ۲۰-۳۰ سال قرار دارند. ۲۸ درصد آنها ۳۱-۴۰، ۱۲ درصد در فاصله سنی ۴۱-۵۰ و بقیه در سنین دیگر قرار گرفته اند. از نظر وضعیت تحصیلی نیز ۴۲ درصد لیسانس، ۲۱ درصد دیپلم، ۱۵ درصد فوق لیسانس قرار دارند. کمترین افراد یعنی ۴ درصد در رده تحصیلی زیردیپلم قرار دارند. از نظر وضعیت تاهل نیز ۴۸ درصد متاهل، ۴۵ درصد مجرد، ۴ درصد مطلقه و ۱ درصد نیز همسر فوت کرده هستند. در این میان ۲ درصد از پاسخگویان به این سوال جواب نداده‌اند.

¹ Talent

از نظر قومیت بیشتر افراد (۸۹ درصد پاسخگویان) قومیت فارس دارند و دیگر اقوام نیز (ترک ۶ درصد، لر ۴ درصد و کرد ۱ درصد) هستند و ۴ درصد نیز از دیگر اقوام هستند. ۷۸ درصد پاسخگویان، بومی اراک و ۲۰ درصد غیر بومی هستند و ۲ درصد نیز به این پرسش جوابی نداده‌اند. درباره وضعیت رفاهی منطقه مسکونی نیز ۲۲ درصد در مناطق ارزان شهر، ۳۷ درصد مناطق متوسط و ۳۵ درصد در مناطق گران شهر سکونت دارند. ۶ درصد نیز به این پرسش جوابی ارائه نکرده‌اند.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای دینداری، استعدادهای توسعه شهری و نقش آفرینی زنان در توسعه شهری در جدول ۲ ارائه شده است.

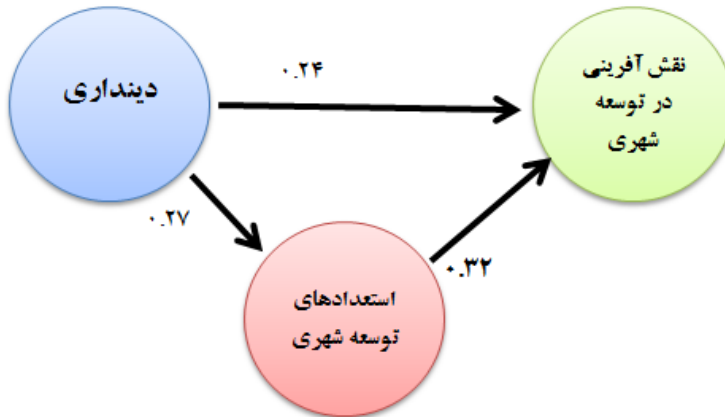
جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای دینداری، استعدادهای توسعه شهری و نقش آفرینی زنان در توسعه شهری

| متغیر | دینداری | استعدادهای توسعه شهری | نقش آفرینی زنان در توسعه شهری |
|-------------------------------|---------|-----------------------|-------------------------------|
| دینداری | ۱ | | |
| استعدادهای توسعه شهری | ۰,۳۱ | ۱ | |
| نقش آفرینی زنان در توسعه شهری | ۰,۲۸ | ۰,۳۵ | ۱ |

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، بین سه متغیر، دینداری، استعدادهای توسعه شهری و نقش آفرینی زنان در توسعه شهری رابطه معناداری وجود دارد.

این جدول نشان می‌دهد قوی‌ترین رابطه همبستگی بین نقش آفرینی زنان در توسعه شهری و استعدادهای توسعه شهری شکل گرفته است (ضریب همبستگی پیرسون ۰,۳۵). ضعیف‌ترین ضریب همبستگی نیز بین دینداری و نقش آفرینی زنان در توسعه شهری است، با اینهمه این رابطه معنادار است (ضریب همبستگی پیرسون ۰,۲۸).

در این پژوهش برای بررسی میزان برازش مدل اولیه با مدل تجربی از نرم افزار لیزرل و تحلیل مسیر استفاده شد و در نهایت مدل تجربی زیر حاصل شد. (شکل ۱).



شکل ۱: مدل نهایی پس از برازش مدل نظری با داده ها

بر اساس نتایج به دست آمده، دو متغیر برونزا و درونزای پژوهش حدود ۳۰ درصد واریانس متغیر «نقش آفرینی زنان در توسعه شهری» را تبیین می کنند. متغیر برونزا یعنی «دینداری» با ضریب رگرسیونی ۰,۲۴ به طور مستقیم اثر معناداری بر «نقش آفرینی زنان در توسعه شهری» دارد. همچنین متغیر برونزا یعنی «دینداری» با ضریب رگرسیونی ۰,۲۷ بر متغیر درونزای مستقل (استعدادهای توسعه شهری) اثر معنی داری دارد. همچنین اثر متغیر درونزای مستقل پژوهش (استعدادهای توسعه شهری) بر متغیر درونزای وابسته (نقش آفرینی زنان در توسعه شهری)، با مقدار ۰,۳۲ معنی دار است.

جدول ۳: برآوردها و مشخصات کلی مدل

| کمیت T | برآوردهای استاندارد | شاخص ها/ مسیرها |
|--------|---------------------|---|
| ۹,۴۰ | ۰,۲۷ | دینداری - استعدادهای توسعه شهری |
| ۶,۴۰ | ۰,۲۴ | دینداری - نقش آفرینی زنان در توسعه شهری |
| ۶,۹۴ | ۰,۳۲ | استعدادهای توسعه شهری - نقش آفرینی زنان در توسعه شهری |

نتایج بررسی شاخص های نیکویی برازش مدل در جدول ۴ ارائه شده است که بر اساس آن خی دو به دست آمده با توجه به درجه آزادی معنی دار نمی باشد ($p < ۰,۰۵$). همچنین شاخص تعدیل یافتگی برازندگی (AGFI) برای مدل ۰,۹۴، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) مقدار

۱,۰۰ و شاخص نرم شده برازندگی (NFI) مقدار ۰,۹۶، است. این شاخص‌ها برای مدل‌های خوب ۰,۹۰ یا بالاتر است. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) برای مدل ۰,۰۶۷ است. این شاخص برای مدل‌های خوب کمتر از ۰,۰۸ و برای مدل‌های ضعیف بزرگتر از ۰,۱ است و بر این اساس، برای مدل حاضر قابل قبول است. N بحرانی نیز در این مدل ۴۳۶,۴۵ است؛ برای مدل‌های برازش یافته این شاخص باید بزرگتر از ۲۰۰ باشد، که بر این اساس حاکی از برازش مدل می‌باشد.

در مجموع نتایج شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد الگوی نهایی ارائه شده از برازش مطلوبی برخوردار است. (جدول ۴)

جدول ۴: شاخص‌های نیکویی برازش مدل ارتباط بین دینداری، استعدادهای توسعه شهری و

نقش آفرینی زنان در توسعه شهری

| شاخص برازندگی | X2 | P | AGFI | CFI | NFI | RMSEA | N بحرانی |
|---------------|------|------|------|------|------|-------|----------|
| مقادیر | ۲,۶۹ | ۰,۱۴ | ۰,۹۴ | ۱,۰۰ | ۰,۹۶ | ۰,۰۶۷ | ۴۳۶,۴۵ |

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان دهنده تاثیر میزان استعدادهای مرتبط با توسعه بر نقش آفرینی زنان در توسعه پایدار شهری است. این نتیجه بر اساس نظریه ظرفیت‌سازی قابل تبیین است. نقش آفرینی در توسعه شهری، نیازمند برخورداری از استعداد در ابعاد مختلف آن به عنوان سطح کارایی حاصل از میزان مشخصی آموزش است. اما علاوه بر این، شکوفا شدن این استعدادها، نیازمند شناخت، فراهم آوردن بستر و به کارگیری آنها است. بر اساس نظریه ظرفیت‌سازی، زنان شهر به عنوان نیمی از ساکنان شهر از ظرفیت و قابلیت‌هایی در راستای تحقق توسعه پایدار شهری برخوردارند. ظرفیت‌سازی در این میان به معنای بهره‌گیری از این توان و نیرو و استعدادهای آنها می‌باشد. زنان شهر در راه توسعه پایدار شهری از استعدادها و توانمندی‌های فنی، مالی، علمی، فرهنگی و نهادی برخوردارند. در ظرفیت‌سازی اجتماعی زنان شهر تدابیری اندیشه می‌شود که توانایی این قشر از آحاد جامعه شهری در شناسایی مشکلات، هدفگذاری و برقراری ارتباط ارتقا یابد و زمینه شکل‌گیری مشارکت آنان در توسعه شهری فراهم گردد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد هر چه زنان استعدادها بیشتری در اختیار داشته باشند و از این استعدادها استفاده بهینه به عمل آید نقش زنان در توسعه افزایش بیشتری خواهد یافت.

همچنین نتایج نشان داد دینداری به صورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق تاثیر بر استعدادها توسعه شهری بر نقش آفرینی زنان در توسعه شهری موثر است. دین بستری سالم برای شکوفایی استعدادهاست. دین با تسهیل ارتباط زن با سایر افراد و اجتماعی شدن او کمک می‌کند استعدادها را خود را بهتر شناسایی کند. شکوفا شدن استعدادها با توانایی درک جنبه‌های پرمعنا و مثبت رویدادهای زندگی که از قضا در کارکرد دین در زندگی فرد قابل ردیابی است، معنا پیدا می‌کند. دین به شکل‌های گوناگون در هر فرهنگی وجود دارد، و به طور معمول، نقش محوری را در زندگی افراد و جوامع ایفا می‌کند. دین در سامان دادن به حیات اجتماعی نقشی تعیین کننده دارد. دینداری از طریق سازوکار پیوندهای اجتماعی و حمایت رسمی و غیررسمی به سلامت مثبت جامعه منجر می‌شود و زمینه باروری بیشتر استعدادها را فراهم می‌کند. اینکار دست کم ناشی از نقش جماعت‌ها و گروه‌های تاثیر، به عنوان نوع خاصی از تلاش و کوشش برای انجام دادن کارکردهای مختلف تعریف می‌شود و آن را به عنوان جمع اعتقادات و اعمالی که با کمک آنها یک گروه دینی با مسائل و مشکلات عظیم زندگی مواجه می‌شود، مطرح می‌کنند. نتایج پژوهش مویدی است بر اینکه دین از جمله متغیرهای اساسی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شکل، نوع و روند تغییرات در اجتماع و بر روی افراد است. اهمیت این موضوع از آنجا است که دینداری کارکردها و آثار ویژه ای در همه زوایای زندگی بشری دارد، زیرا افراد دیندار بسیاری از کنشها، افکار، شیوه زندگی، ارزشها و حالت‌های خود را براساس دین تعیین می‌کنند و دین را ناظر بر زندگی خود می‌دانند. دین با ماهیت اجتماعی خود افراد را به مشارکت ترغیب می‌کند و با اینکار باعث توسعه و ضامن حرکت و پویایی یک جامعه می‌شود. در نتیجه، زمینه انطباق قوانین منطبق با نیازها و واقعیت‌های اجتماعی در جامعه فراهم شده و میزان تضادها و درگیری‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. این مساله در جامعه ایران از اهمیت زیادی برخوردار است، چراکه به رغم آنکه مهمترین و نیرومندترین نهاد مؤثر در شکلگیری مشارکتهای اجتماعی، نهاد دین بوده و آموزه‌های دینی اسلام بر رفتارهایی تأکید دارند که زمینه و بستر شکلگیری مشارکتهای اجتماعی را فراهم می‌کنند، اما موانع سنتی مشارکت زنان که در تضاد با آموزه‌های دینی اسلام قرار دارند به غلط به دین نسبت داده می‌شود. در صورتیکه نتایج این پژوهش نشان می‌دهد دین عامل مشوق مهمی در این راستا است.

بر اساس آنچه درباره روابط بین سه متغیر استعدادها و نقش آفرینی زنان در توسعه شهری در این پژوهش به دست آمده است لازم است بر اساس آموزه‌های دینی به شناسایی و ایجاد بستر برای نقش آفرینی زنان اقدام شود. در این میان استعدادها را برای نقش آفرینی در توسعه

شهری یکسان نیست. شناسایی این استعدادها نیز کاری مقطعی نیست، بلکه در فرایند شناسایی استعدادها، خود فرد، خانواده، مدرسه، مربیان و مراکز مشاوره نقش کلیدی دارند. این استعدادهای شامل مواردی چون استعداد اشتغال و کار، کارهای فنی و مهندسی، کارهای درمانی و پزشکی، فعالیت‌های آموزشی، هنری، ورزشی، فعالیت‌های نظامی، فعالیت‌های سیاسی، فعالیت‌های مذهبی و دینی، فعالیت رسانه‌ای، فعالیت‌های حقوقی و قضاوت، فعالیت اقتصادی و بازار و فروش، راندگی، مدیریت و ریاست ادارات می‌شود. آنها می‌توانند این استعدادهای شناسایی شده را در ابعاد مختلف توسعه شامل بعد معیشتی و اقتصادی، فرصت‌های کار و اشتغال، بهداشت و درمان، آموزش، امنیت و آسایش، آزادی‌های فردی، حکمروایی، رسانه‌ها و ارتباطات، تفریح و سرگرمی و محیط زیست به کار گیرند. در این بین، تقویت دینداری می‌تواند به باروری بهتر و بیشتر استعدادهای زنان در توسعه شهری منتهی شود و نقش آنان را در این امور ارتقا دهد که از ثمرات این مشارکت، هم خود زنان، هم خانواده و هم جامعه بهره مند خواهد شد.

منابع

اسماعیل خانی، فرشته؛ نجاریان، بهمن؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۰) ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش خود شکوفایی، فصلنامه‌ی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال یازدهم، شماره ۱۱: ۲۰-۱

تاسون، کنت و دیگران (۱۳۸۱)، «دین و ساختار اجتماعی» مقالاتی در جامعه‌شناسی دین، ترجمه علی بهرام پور و حسن محدثی، تهران: انتشارات کویر.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی دین، تهران: سخن.

شجاعی زند، علی رضا (۱۳۸۴) «مدلی برای سنجش دینداری در ایران،» مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱: ۳۴-۶۶.

فقیهی، علی نقی؛ خدایاری فرد، محمد؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۸۵) بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت، «فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۱۹: ۴۱-۷۰.

همیلتون، ملکم (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی دین، مترجم، محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث

یغمایی، حشمت (۱۳۸۰) دینداری نوجوانان و عوامل مؤثری بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

آرین، سیده خدیجه (۱۳۷۹) بررسی رابطه بین دینداری و روان درستی ایرانیان مقیم کانادا، رساله دکتری، چاپ نشده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰) دینداری و بزهکاری در بین نوجوانان دانش‌آموز، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۷). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، تهران: نشر نی.
- پورافکاری (۱۳۸۶) فرهنگ روانشناسی و روانپزشکی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- ادیب بهروز، امیر مجتبی (۱۳۸۹) بررسی وضعیت دینداری دانش‌آموزان شهر قم، مطالعات فرهنگی و اجتماعی زمستان ۱۳۸۹، پیش شماره دوم: ۲۹ - ۵۲ .
- ارجمند، پرهام، و شعبان‌پور حقیقی، احسان (۱۳۸۹). بررسی سرمایه اجتماعی با دینداری و تأثیر آن بر کارآفرینی اجتماعی. همایش ملی همت مضاعف و کار مضاعف، جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی جهرم.
- انوری، حمیدرضا (۱۳۷۳) پژوهش راجع به تقدیرگرایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). راه سوم. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر شیرازه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). مجموعه آثار. جلد دوم، قم: انتشارات صدرا.
- Davis, Kingsley (1964) Human Society, New York: MacMillan.
- Green, C.D (2000) Classics in the History of Psychology, York University, Toronto, Ontario, ISSN 1422- 3713.
- Heylighten, F. (1992) «A cognitive- systematic reconstruction of Maslow's theory of self actualization», Behavioral Science, 37: 39-57.
- Maslow, A. H. (1970) Motivation and personality, 2 nd ed., New York: Harper & Row.
- Spjut, A (2004) Effect of spirituality on Job satisfaction for clinical laboratory science professionals, Doctoral dissertation, University of phoenix, USA: Arizona.
- Zulling, K. J.; R. M. Ward & T. Horn (2006) «The Association between Perceived Spirituality, Religiosity and Life Satisfaction: the Mediating Role of Self RatedHealth», Social Indicators Research 79, pp: 255-274.
- Adam, M. S., & Urquhart, C. (2007). IT capacity building in de graphical Planning of Space, 6(19), 89-104.developing countries: A model of the Maldivian tourism sector. Information Technology for development, NO. 13: 315-335.
- Healy, K., & Hampshire, A. (2001). Community capacity building: from ideas to realities. Australian Association of Social Ahmadi Firoozjaei, A., Sedighi, H., Mohamadi, M. A. (2007) .Workers Conference. The Benevolent Society, Melbourne.
- Durkheim, E. (1915). The Elementary Forms of Religious Life. London Allen & Unwin. P. 47.
- Silberman, I. (2005), "Religion as a Meaning System: Implications for the New Millennium", Journal of Social Issues, 61(4), 641-663.